

جنگ و جنگ افروزی، کشتار انسان ها، خانه خرابی و ویرانی، آوارگی و بیکاری نه

صلح، کار و آبادانی آری

افزایش بودجه نظامی و کاهش بودجه خدمات عمومی، خصوصی سازی آموزش و درمان، ریاضت اقتصادی، کاهش قدرت خرید، حقوق بخورونمیر و افزایش فقر نه

آموزش و درمان رایگان و حقوق متناسب با هزینه های زندگی و حفظ کرامت انسانی آری

اعدام، زندان و شکنجه؛ آزار و اذیت در خیابان، محل کار و زندگی؛ سانسور و قطع سراسری اینترنت جهانی؛ تبعیض و اینترنت طبقاتی نه

آزادی عقیده، بیان، تشکل و تجمع و سبک زندگی و اینترنت و ارتباط جهانی برای همه آری

حکومت های دیکتاتوری و ضد کارگری، حکومت اسلامی ایران نه

دموکراسی و عدالت اجتماعی آری

- گزارشی کوتاه از نشست نمایندگان بازنشستگان شهر شوش

- اعتراض جمعی از دانشگاهیان تربیت مدرس نسبت به تلاش حکومت جهت تغییر کاربری پارک علم و فناوری از نهاد علمی به دستگاه سرکوب و آسیب دیدن فضای علمی و زیست بوم نوآوری

- تبعات انسانی قطع اینترنت

- روش های جایگزین مستأجران برای تأمین هزینه اجاره بهای خانه

افزایش بی سابقه هزینه مسکن، بسیاری از مستأجران را به سمت زندگی اشتراکی، بازگشت به خانه والدین و ترک پایتخت کشانده است

سیاست های دولتی توسعه مسکن در تمام سال های گذشته با شکست روبه رو شده اند. حتی مسکن مهر که قرار بود راهکاری برای خانه دار شدن دهک های پایین جامعه باشد هم چاره ساز نشد. طرح های مربوط به نهضت ملی هم راه به جایی نبردند.

- چهل روز زندگی

در سایه جنگی که مال "ما" نیست

روزنوشت های زنی از تهران (۱۱)

- تداوم بازداشت متین زمانیان

- محکومیت بی بی زهرا موسوی ایرانی - افغانستانی و از بازداشتی های اعتراضات سراسری دی ماه 1404 به 10 سال و شش ماه حبس

- تصویب قطعنامه دفاع از آزادی مطبوعات و حقوق روزنامه‌نگاران آرژانتین در کنگره فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران- پاریس

*گزارشی کوتاه از نشست نمایندگان بازنشستگان شهر شوش



فقط کف خیابون به دست میاد حقمون

روز یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۵، جمعی از نمایندگان بازنشستگان شوش در اعتراض به وضعیت خدمات درمانی، دستمزدها و نبود بیمارستان، با مدیر تأمین اجتماعی شهرستان دیدار کردند.

در این نشست، نمایندگان بازنشستگان خواستار افزایش دستمزدها بر اساس مزد تعیین‌شده برای سال ۱۴۰۵، تأسیس بیمارستان، رفع مشکلات بیمه تکمیلی و ارائه خدمات مناسب و به‌موقع درمانی شدند.

نمایندگان بازنشستگان همچنین درباره وضعیت دشوار معیشتی سخن گفتند و با اشاره به تورم سرسام‌آور و افزایش روزانه قیمت مواد غذایی، درمان، مسکن، پوشاک و دیگر نیازهای اساسی، تأکید کردند که با گذشت دو ماه از سال، هنوز افزایش ناچیز دستمزد سال ۱۴۰۵ برای بازنشستگان اعمال نشده است.

بر اساس آخرین گزارش‌ها، در نشست روز سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت‌ماه مسئولان تأمین اجتماعی اعلام شده است که قرار است در نیمه نخست خردادماه، درباره افزایش دستمزد تعیین‌شده سال ۱۴۰۵ برای بازنشستگان تعیین تکلیف شود.

برگرفته از کانال سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

***اعتراض جمعی از دانشگاهیان تربیت مدرس نسبت به تلاش حکومت جهت تغییر کاربری پارک علم و فناوری از نهاد علمی به دستگاه سرکوب و آسیب دیدن فضای علمی و زیست‌بوم نوآوری**

روزنامه «اعتماد» به نقل از یک منبع آگاه در دانشگاه تربیت مدرس گزارش داده که برای دومین بار طی سه هفته اخیر، نیروهای انتظامی وارد پردیس بابایی، محل استقرار پارک علم و فناوری این دانشگاه، شده‌اند و وی واستار تخلیه و واگذاری این زمین ۶۰ هکتاری شده‌اند. به گفته این منبع، ورود اخیر بدون مجوز قضایی و همراه با استقرار کانکس‌ها بوده و به تنش میان مأموران و کارکنان دانشگاه انجامیده است.

این زمین از سال ۱۳۸۷ به دانشگاه تربیت مدرس واگذار شده و اکنون ۱۷ شرکت دانش‌بنیان در حوزه‌هایی مانند تجهیزات پزشکی، انرژی‌های تجدیدپذیر، کشاورزی و فناوری‌های زیستی در آن فعالیت می‌کنند.

در پی این اتفاق، جمعی از دانشگاهیان تربیت مدرس با انتشار بیانیه‌ای نسبت به آسیب دیدن فضای علمی و زیست‌بوم نوآوری کشور هشدار دادند و حفظ این مجموعه را ضرورتی ملی دانستند.

برگرفته از کانال دانشجویان متحد

***تبغات انسانی قطع اینترنت**

در سال ۱۴۰۵، اینترنت دیگر یک ابزار لوکس، ترفنی یا حتی صرفاً یک زیرساخت اقتصادی نیست؛ با گسترش زیست دیجیتال و تغییرات بنیادین این زمانه، اینترنت به بخشی از زندگی روزمره مردم تبدیل شده است. در چنین شرایطی، قطع اینترنت نه یک تصمیم فنی موقت، بلکه فرایندی مؤثر در زندگی عادی انسان‌هاست؛ تصمیمی که اثر آن نه در نمودارهای ترافیک دیتا، بلکه در سفره‌ها، روابط کاری، سلامت روان و آینده شغلی مردم دیده می‌شود. در ابتدای این بحث، لازم است منظور از «قطع اینترنت» روشن شود.

تا چند سال پیش، اینترنت یک کل نسبتاً پیوسته بود که یا به‌طور کامل در دسترس بود یا به‌طور کامل قطع می‌شد. اما امروز طیف متنوعی از اختلال‌ها و محدودیت‌ها شکل گرفته است. در این نوشته، «قطع اینترنت» به هر نوع اختلال گسترده‌ای اطلاق می‌شود که دسترسی عموم به اینترنت بین‌الملل را به‌طور عمده محدود کند؛ به‌ویژه اگر این محدودیت شامل پروتکل‌های ارتباطی در شبکه جهانی باشد. این تعریف لزوماً فنی نیست، اما تجربه واقعی کاربران را بازتاب می‌دهد. ممکن است یک وبسایت ایرانی برای کاربران داخل کشور در دسترس باشد، اما تیم فنی آن به ابزارهای بین‌المللی دسترسی نداشته باشد، لایسنس‌ها منقضی شوند، موتورهای جست‌وجو به آن دسترسی نداشته باشند یا به دلیل اختلال در سرورها، ارائه سرویس با مشکل مواجه شود. همچنین، در صورت عدم دسترسی

به پلتفرم‌های خارجی، فشار بر زیرساخت‌های داخلی افزایش می‌یابد و کیفیت خدمات کاهش پیدا می‌کند. در همه این حالت‌ها، تجربه واقعی کاربر با محدودیت جدی مواجه می‌شود و به همین دلیل این وضعیت به‌طور عمومی «قطع اینترنت» تلقی می‌شود.

امروز اینترنت با ابتدایی‌ترین نیازهای روزمره گره خورده است: پرداخت، خرید، ارتباط با خانواده، آموزش، دریافت خدمات درمانی، پیگیری امور اداری و مسیریابی شهری. اختلال در اینترنت به‌سرعت خود را در ناتوانی در انجام این امور نشان می‌دهد. یک فروشنده آنلاین نمی‌تواند سفارش بگیرد، پرداخت‌ها مختل می‌شود، آموزش متوقف می‌ماند و ارتباطات روزمره دچار وقفه می‌شود. اینها پیامدهای مستقیم و تکرارشونده هر اختلال گسترده هستند.

در کنار این سطح، مسئله اشتغال قرار دارد. برآوردهای حداقلی نشان می‌دهد دست‌کم دو میلیون شغل در ایران به شبکه‌های اجتماعی وابسته‌اند؛ از تولیدکنندگان محتوا و فروشندگان خانگی تا کسب‌وکارهای کوچک و فریلنسرها. این مشاغل صرفاً به دسترسی حداقلی به اینترنت وابسته نیستند، بلکه به اینترنتی نیاز دارند که برای عموم مردم قابل استفاده باشد. محدودیت گسترده، عملاً به توقف فعالیت این بخش منجر می‌شود.

در لایه تخصصی، حدود ۴۰۰ هزار نفر از نیروی کار برای انجام فعالیت حرفه‌ای خود به ابزارها و سرویس‌های بین‌المللی وابسته‌اند؛ از برنامه‌نویسان و طراحان تا تحلیلگران داده و مدیران محصول. اختلال در دسترسی، این گروه را عملاً از چرخه کار خارج می‌کند. این وضعیت به‌صورت زنجیروار بر سایر بخش‌ها نیز اثر می‌گذارد و معیشت میلیون‌ها نفر دیگر را که به خدمات دیجیتال وابسته‌اند، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در این نقطه، تحلیل مسئله صرفاً در چارچوب «زیان اقتصادی» کافی نیست. بیکاری گسترده در اقتصادی با تاب‌آوری پایین، به افزایش فقر، فشار روانی، تنش‌های اجتماعی و فرسایش سرمایه اجتماعی منجر می‌شود. این پیامدها، در مقیاس انسانی، قابل چشم‌پوشی نیستند.

مسئله زمانی عمیق‌تر می‌شود که به مهاجرت نیروی کار متخصص توجه کنیم. بخشی از این نیروها، در مواجهه با اختلال‌های مکرر و غیرقابل پیش‌بینی، به این نتیجه می‌رسند که امکان برنامه‌ریزی حرفه‌ای در داخل کشور از بین رفته است. در چنین شرایطی، مهاجرت به یک واکنش قابل پیش‌بینی تبدیل می‌شود.

به عنوان یک شاخص از میزان مهاجرت‌های غیرقانونی، ایران در تمام سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۴ همواره در رتبه‌های اول تا سوم عبور غیرقانونی از کانال مانش قرار داشته است. با بررسی مجموع این چهار سال، ایران از حیث تکرار در صدر جدول و استمرار حضور در رتبه‌های برتر، در جایگاه نخست (به‌عنوان ثابت‌ترین ملیت در رده‌های بالای فهرست) قرار گرفته است.

این روند را می‌توان به عنوان نشانه‌ای از افزایش فشارهای اقتصادی و اجتماعی بر بخشی از جامعه در نظر گرفت؛ فشارهایی که اختلال در زیرساخت‌های حیاتی مانند اینترنت می‌تواند آنها را تشدید کند. نتیجه نهایی این مسیر، تضعیف تدریجی سرمایه انسانی کشور است. در این چارچوب، قطع اینترنت را باید فراتر از یک مسئله فنی یا اقتصادی در نظر گرفت. این پدیده دارای پیامدهای انسانی

است؛ پیامدهایی که در از دست رفتن شغل، کاهش کیفیت زندگی و تضعیف چشم‌انداز آینده افراد بروز می‌کند؛ بنابراین لازم است اثرات هر اختلال گسترده در اینترنت به صورت شفاف، قابل سنجش و مستمر ارزیابی و اعلام شود. فقط در این صورت است که هزینه واقعی چنین تصمیم‌هایی در سطح سیاست‌گذاری دیده خواهد شد و امکان ارزیابی دقیق‌تری از تبعات آن فراهم می‌شود.

گزارش رسانه ای شده بتاريخ 22 اردیبهشت بقلم نیما قاضی، رئیس انجمن تجارت الکترونیک تهران

*روش‌های جایگزین مستأجران برای تأمین هزینه اجاره‌بهای خانه

افزایش بی‌سابقه هزینه مسکن، بسیاری از مستأجران را به سمت زندگی اشتراکی، بازگشت به خانه والدین و ترک پایتخت کشانده است

سیاست‌های دولتی توسعه مسکن در تمام سال‌های گذشته با شکست روبه‌رو شده‌اند. حتی مسکن مهر که قرار بود راهکاری برای خانه‌دار شدن دهک‌های پایین جامعه باشد هم چاره‌ساز نشد. طرح‌های مربوط به نهضت ملی هم راه به جایی نبردند.

زن 45 ساله‌ای که دو دهه اخیر زندگی‌اش را به تنهایی در خانه‌ای در محله «بهار» تهران زندگی می‌کرده، دنبال همخانه می‌گردد. دو برادری که از 21 سالگی تا به همین حالا که 35 سال دارند و با هم زندگی می‌کردند، این روزها در تلاش هستند خانه‌ای جدید اجاره کرده و همخانه‌ای جدید اضافه کنند تا هزینه‌ها تقسیم شود. «هانی» که پس از جدایی از همسرش، هشت سالی می‌شد در یکی از خانه‌های محله اکباتان زندگی می‌کرد، حالا با خودش فکر می‌کند شاید بهتر است به خانه پدر و مادرش برگردد تا هزینه اجاره از زندگی خودش و دختر شش‌ساله‌اش حذف شود. در این میان، افرادی هم هستند که بعد از سال‌ها زندگی و کار در پایتخت، به مهاجرت معکوس به شهرستان‌هایی فکر می‌کنند که چندین دهه قبل آنجا را ترک کرده بودند. تغییرات چشمگیر در اقتصاد ایران، ابعاد درخور توجهی از زندگی مردم را دستخوش تغییرات کرده و هزینه مسکن، یکی از مهم‌ترین آنهاست؛ تغییری که طی سال‌های اخیر هر بار به نحوی عرصه زندگی را برای اجاره‌نشینان تنگ‌تر می‌کرد و حالا به جایی رسیده که ادامه زندگی در پایتخت برای بسیاری کم‌کم به امری طاقت‌فرسا بدل شده است.

پلتفرم‌های آنلاین و بنگاه‌های املاک نشان می‌دهد حجم فایل‌های عرضه‌شده کاهش یافته است. براساس اعلام سایت خبری «اکو ایران»، بازار مسکن در اوایل خرداد مانند ماه‌های گذشته، همچنان در رکود است و این را هم می‌توان در رصد بسترهای فروش و اجاره مسکن آنلاین دید و هم در گفت‌وگو با املاکی‌ها به آن اشاره کرد. به گفته یک واسطه‌گر ملکی در منطقه 17 تهران، برخی از فروشندگان حدود 10 درصد افزایش قیمت داشته‌اند و اغلب سازندگان ملک هستند که واحدهای آماده برای فروش دارند. او می‌گوید تخفیف، گزینه فروشندگان نیست و به دلیل اینکه قصد تبدیل به احسن و خرید ملک دیگری دارند، با قیمت‌های جدید که روبه‌رو می‌شوند، حاضر به تخفیف نیستند. رفتار بازار مسکن هم پس از جنگ با تغییرات جدی روبه‌رو شده است که هرکدام از آنها به نوعی بر بدنه این بازار و رقم‌های موجود در آن اثر می‌گذارد. مثلاً تقاضا به‌ویژه از سوی خانواده‌هایی که به دلایل مختلف از جمله قرارگیری در مناطق پرریسک جنگ، ناچار به جابه‌جایی شده‌اند، روندی صعودی به خود گرفته است. هم‌زمان، نشانه‌هایی از افزایش قیمت‌ها در فایل‌های موجود نیز دیده می‌شود؛ وضعیتی که

نگرانی‌ها درباره شکل‌گیری یک موج جدید گرانی در بازار اجاره را در میان مستأجران تقویت کرده است. در این میان، متغیرهای بیرونی را نمی‌توان نادیده گرفت؛ از اختلالات اینترنتی که کانال‌های جست‌وجو و عرضه فایل را محدود کرده تا کاهش توان اقتصادی خانوارها در پی تنش‌های اقتصادی پس از جنگ.

موج مهاجرت به حاشیه

همه این موارد در شرایطی در حال رخ‌دادن است که برخی مالکان می‌خواهند به خانه‌های خود برگردند و گروهی از مستأجران با محدودیت‌های جدی‌تری برای تأمین هزینه‌های اجاره مواجه شده‌اند؛ روندی که می‌تواند به افزایش جابه‌جایی‌های اجباری و حتی مهاجرت به مناطق حاشیه‌ای یا شهرهای کوچک‌تر منجر شود. در این میان، آگهی‌های مسکن با عده‌های عجیب و غریب هم که دیگر جای خود را دارد. هرچند نایب‌رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران می‌گوید قیمت‌ها غیرواقعی است و این آگهی‌ها توسط جریانی به صورت سازمان‌یافته منتشر می‌شود. «داوود بیگی‌نژاد» با توصیف وضعیت فعلی و با اشاره به اینکه هنوز فصل اجاره آغاز نشده است، توضیح می‌دهد: «مردم، به‌ویژه ساکنان تهران، توجه داشته باشند که قیمت‌های درج‌شده در آگهی‌های سکوها اینترنتی با واقعیت بازار همخوانی ندارد. البته افزایش قیمت‌ها در تمام بازارها از جمله بازار مسکن انکارنشده است، اما نرخ درج‌شده در این آگهی‌های اجاره واقعی نیست. اساساً هنوز بازار اجاره وارد معاملات نشده و فصل جابه‌جایی مستأجران آغاز نشده است که قیمت‌ها و میزان افزایش قیمت مشخص شود و قطعاً قیمت‌هایی که در آگهی‌های سایت‌های اینترنتی هست، دستکاری شده است.»

هم‌خانه‌ای برای تقسیم هزینه اجاره‌بها

اما فارغ از آنچه به شکل حقیقی در بازار رقم خورده، واقعیت این است که زندگی مستأجری بسیاری از افراد، با عده‌های جدید و با سرعت بالایی تغییر کرده است. یکی از راهکارهایی که جامعه به سمت آن رفته، تشکیل یک نوع زندگی‌های جمعی‌تر است. «هستی»، رامحلی برای این وضعیت دارد: «بیشتر از دو دهه بود که به تنهایی زندگی می‌کردم. اساساً خیلی اهل جمع نیستم و نمی‌توانم در محیط‌های شلوغ بمانم. زندگی تنهایی هم انتخاب همیشگی‌ام بوده است. اما با شرایط جدید، باید استانداردهایم را تغییر دهم. همه این سال‌ها دیده بودم که برخی از دوستانم هم‌خانه داشتند و دارم فکر می‌کنم که یک یا حتی دو هم‌خانه به زندگی‌ام اضافه کنم تا دست‌کم بتوانیم هزینه را بین خودمان تقسیم کنیم. با این شرایط کاری که برای بسیاری از ما رخ داده، پرداخت 40 میلیون اجاره در محله بهار تهران، برای من ممکن نیست». این البته تنها رامحل هستی نیست. «بهزاد» و برادرش هم که از سن کم با یکدیگر زندگی می‌کردند، در میان دوستان‌شان به دنبال هم‌خانه می‌گردند: «شرکتی که در آن کار می‌کردم تا خرداد به حالت تعلیق درآمد و در نتیجه خبری هم از حقوق نیست. برادرم سر کار است اما به تنهایی از پس هزینه خانه بر نمی‌آید. در نتیجه، تصمیم گرفتیم از میان دوستان‌مان یک نفر را به خانه اضافه کنیم تا هزینه اجاره برایشان قابل پرداخت باشد.»

بازگشت به خانه والدین در میانسالی

در فروردین ۱۴۰۵ شاخص قیمت مصرف‌کننده خانوارهای کشور به عدد ۵۶۹.۳ رسید که نسبت به ماه قبل، ۵.۰ درصد افزایش، نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۷۳.۵ درصد افزایش و در 12 ماهه منتهی

به ماه جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۵۳.۷ درصد افزایش داشته است. بازار مسکن، به‌خصوص بازار اجاره، امسال سال سختی را در پیش خواهد داشت؛ چراکه هم قیمت مسکن رشد قابل ملاحظه‌ای داشته و هم اینکه تورم اعلام‌شده از سوی مرکز آمار نگرانی‌ها را به‌شدت برای قشر مستأجر بالا برده است. اما هیئت عالی بانک مرکزی در تازمترین مصوبه خود برای کمک به قشر آسیب‌پذیر جامعه سقف وام ودیعه مسکن در شهر تهران را به ۳۶۵ میلیون تومان افزایش داد و همین مسئله پیش‌بینی‌ها از استقبال برای دریافت این تسهیلات را افزایش داد. بنابراین براساس آمار از سال ۱۴۰۰ تاکنون به حدود ۴۱ درصد متقاضیان واجد شرایط، وام ودیعه مسکن پرداخت شده است. براساس مصوبه هیئت عالی بانک مرکزی سقف وام ودیعه مسکن در شهر تهران به ۳۶۵ میلیون تومان، مراکز استان‌ها به ۲۸۰ میلیون، سایر شهرها به ۱۸۵ میلیون و روستاها به ۷۵ میلیون تومان افزایش یافته است.

در چنین شرایطی، بازگشت به خانه والدین هم یکی از دیگر روش‌های جامعه برای تاب‌آوری شرایط جدید بوده است. «هائیه» که این روزها را با همین فکر می‌گذرانند، از نگرانی پیش‌روی خود برای زندگی دوباره با والدین می‌گوید؛ آن‌هم در حالی که خودش مادر یک کودک است: «قرار بود اجاره‌خانه برای سال جدید و با توجه به شرایط جنگی بیشتر از 20 درصد افزایش پیدا نکند، اما اینها همیشه در حد حرف باقی می‌مانند و ضمانت اجرائی ندارند. خردادماه که برسد، زمان اجاره خانه من هم تمام می‌شود و به همین دلیل، از چندین ماه پیش به فکر این موضوع بودم. با خودم فکر می‌کردم که با توجه به افزایش حقوق ماهانه و یک پروژه کاری جدیدی که از اسفند قولش را گرفته بودم، توان پرداخت اجاره‌بهای حدود 35 میلیون تومانی را دارم. اما نه‌تنها حقوقم بالا نرفت، بلکه فرصت کاری جدیدم را پس از جنگ از دست دادم و پرداخت اجاره برایم غیرممکن شده است». همین هم سبب شده تا او تصمیم بگیرد به خانه مادرش برگردد: «خیلی با خودم فکر کردم و دیدم هیچ راهی برای باقی نمانده، جز اینکه به خانه مادرم برگردم. چند سال پیش پدرم را از دست دادم و مادرم تنها زندگی می‌کند، البته خانه‌اش شرق تهران است و فاصله زیادی با محل کار من دارد. از سوی دیگر، باید مدرسه دخترم را هم تغییر دهم، چون نمی‌توانم هر روز او را از آن سوی شهر به اینجا بیاورم؛ چاره دیگری ندارم. آینده سختی پیش‌روی خودمان می‌بینم».

کوچ معکوس برای فرار از اجاره

بازگشت به خانه والدین اما اگر برای «هائیه» در حد تغییر محل زندگی از غرب به شرق تهران محدود می‌شود، برای برخی دیگر، به معنای تغییر شهرشان است. مثل «سحر» که پس از 26 سال زندگی در تهران، در 44 سالگی، باید همه زندگی‌اش را جمع کند و دوباره به «کاشان» برگردد: «راستش همین حالا که تقریباً تمام وسایل بزرگ خانه را فروخته‌ام و در میان جعبه‌های کوچک و بزرگ به جا مانده از بیش از دو دهه زندگی مستقلم شب و روز می‌گذرانم، باورم نمی‌شود که در چنین شرایطی قرار گرفته‌ام. برنامه شخصی خودم این بود که بعد از بازنشستگی دوباره به کاشان بروم و سالمندی را در یک خانه ویلایی و در هوای بهتر آنجا بگذرانم، اما اینکه در میان‌سالی به خودم بیایم و ببینم مشکل اقتصادی و اجاره خانه باعث شده دوباره به شهرم برگردم، حقیقتاً شکست بزرگی برایم محسوب می‌شود. نمی‌دانم چطور باید با این ناکامی روبه‌رو شوم». شغل «سحر» در سال‌های اخیر ویراستاری بوده است؛ از دفاتر انتشارات مختلف تا روزنامه‌ها و مجلات. اما حالا

تقریباً همه آنها اعلام کرده‌اند که پروژه جدیدی در دست ندارند و مشخص نیست چه زمانی اوضاع دگرگون شود: «مجله‌های مطبوعاتی هم که در یک دهه اخیر مدام آب رفته‌اند و می‌توانم بگویم در حال حاضر مجله‌های کمی باقی مانده‌اند که با حقوق آنها هم نمی‌توان خرج زندگی را درآورد. در نتیجه، حوزه کاری و درآمدی من با ضربه جدی روبه‌رو شده. هزینه روزانه و تأمین فقط سبب غذایی زندگی هم آن قدر افزایش پیدا کرده که با صرفه‌جویی و قناعت کاری جلو نمی‌رود؛ بنابراین با خودم فکر کردم و دیدم که چاره‌ای جز اینکه از تهران بروم، ندارم». او در میان دوستانش، افراد دیگری را هم می‌شناسد که سراغ گزینه آخر رفته‌اند: «شاید تصور کنید که چنین اتفاقی نادر است که زن یا مردی، ناگهان در میان‌سال‌ی دوباره به خانه والدینش برگردد. در حالت عادی بله، این اتفاق عجیبی است اما الان شرایط به گونه‌ای پیش می‌رود که این گزینه‌ها پیش‌روی بسیاری از افراد جامعه قرار گرفته. چطور ممکن است کسی بتواند بدون حقوق و درآمد، از پس هزینه‌های زندگی در تهران بربیاید؟ همین الان، در میان دوستان خودم که همه آنها سال‌ها سابقه کاری دارند، گزینه بازگشت به خانه والدین روی میز قرار گرفته است». همین اتفاق، می‌توانست برای «فرید» هم رخ دهد، اگر خواهرش هزینه یک سال اجاره او را پرداخت نمی‌کرد: «در سال‌های اخیر مدام تأمین اجاره‌خانه، که یک واحد 50 متری در محله ستارخان است، سخت‌تر می‌شد. اول تابستان وقت تمدید قرارداد خانه است، با خودم تصمیم گرفته بودم که بی‌خیال ادامه زندگی در تهران شوم و به شیراز برگردم. اما خواهرم که در آمریکا زندگی می‌کند، به دادم رسید. او هزینه یک سال اجاره خانه‌ام را بر عهده گرفت». او می‌داند که بسیاری دیگر از دوستانش از چنین امکانی برخوردار نیستند: «واقعا نمی‌دانم اگر خواهرم این پیشنهاد را به من نمی‌داد، چطور باید از پس هزینه‌های زندگی برمی‌آمدم. من متخصص حوزه فروش آنلاین هستم و نمی‌دانم با این وضعیت، چه زمانی قرار است درآمد و کارم به شرایط پیش از اسفند 1404 برگردد؛ یعنی هیچ چشم‌اندازی برای درآمد ندارم و بدون آن هم، قطعاً امکان زندگی مستقل را از دست می‌دادم؛ کم‌اینکه همین الان، خیلی از دوستان دیگرم هستند که شرایط مشابهی با من دارند، اما کسی نیست از آنها حمایت کند.»

استقلالی که از بین می‌رود

«عبدالوهاب شهبلی‌بر»، جامعه‌شناس و نویسنده کتاب امکان‌سنجی ایجاد سکونت‌سرا در شهر تهران است. او در بررسی وضعیت سکونت‌های اشتراکی یا همان خانه‌های اشتراکی که در این گزارش به آن اشاره شد، به خبرنگار رسانه ای می‌گوید: «در ایران زندگی جمعی، صرفاً به واسطه تمایل جامعه برای کاهش هزینه‌های زندگی رخ می‌دهد. در واقع اشتراک فضای سکونت تنها اشتراک این جمع محسوب می‌شود و آنها دیگر در مالکیت، شیوه درآمد و سبک زندگی، اشتراکی با یکدیگر ندارند. اغلب آنها دانشجویان، کارگران فصلی، ورشکسته‌ها یا کارمندان جزئی هستند که از پس هزینه‌های زندگی بر نمی‌آیند». این جامعه‌شناس حوزه مسکن، معتقد است که سیاست‌های دولتی توسعه مسکن در سال‌های اخیر با شکست روبه‌رو شده‌اند: «باید پذیرفت که سیاست‌های دولتی توسعه مسکن در کشور ما و در تمام سال‌های گذشته با شکست روبه‌رو شده‌اند. حتی مسکن مهر که قرار بود راهکاری برای خانه‌دار شدن دهک‌های پایین جامعه باشد هم چاره‌ساز نشد. طرح‌های مربوط به نهضت ملی هم راه به جایی نبردند. از سوی دیگر عجیب است که هنوز نظام برنامه‌ریزی مسکن ما، روش خانه‌های اشتراکی را هم به رسمیت نمی‌شناسد و در عرف و قانون این روش با مقاومت روبه‌رو می‌شود.»

این جامعه‌شناس با اشاره به اینکه مسکن، چیزی بیش از سرپناه است، می‌گوید: «مسکن برای انسان فقط سرپناه نیست. مسکن محتوای هویتی انسان‌ها را هم شکل می‌دهد. مرد یا زنی که دوره جوانی را رد می‌کند و حالا به واسطه ناتوانی مالی مجبور می‌شود به خانه والدین برگردد، درواقع با مخدوش شدن همان هویتی که برای خود ساخته بود، روبه‌رو می‌شود و بدون شک تأثیر چنین احساس ناکامی و شکستی در جامعه خود را نشان خواهد داد. برای بسیاری از آنها که ناچار می‌شوند به شهرهای کوچک خودشان برگردند، این موضوع شدیدتر هم خواهد بود؛ چراکه رابطه انسانی، شبکه‌های اجتماعی و روش زندگی آنها با کلان‌شهر خو گرفته و حالا بازگشت به محیطی که به واسطه قدرت شبکه‌های خویشاوندی، روی استقلال افراد تأثیر می‌گذارد نیز می‌تواند فردیت آنها را به محاق ببرد. اما متأسفانه در شرایطی که تلاش برای افزایش کیفیت زندگی، جایش را به تلاش برای حفظ بقا در بسیاری از ساحات زیستی مردم داده است، به نظر می‌رسد باید منتظر تغییرات این‌چنینی هم بود».

*چهل روز زندگی

در سایه جنگی که مال "ما" نیست

روزنوشت‌های زنی از تهران (۱۱)

ه- ص

می‌گفت: تهران نبودیم که همسایه‌های زنگ زد، توی کوچه‌مان را زده‌اند. خانه‌تان خراب شده. با عجله برگشتیم. وقتی رسیدیم، توی خانه تعداد زیادی آدم‌های غریبه را دیدم. شوک دیدن آن‌ها بیشتر از شوک دیدن خانه ویرانمان بود. شروع به کار کردیم. پنجره ای سالم نمانده بود. درها از جا در آمده بودند. بیشتر وسایل خراب شده بود. اما اثری از بعضی از وسایلم پیدا نکردیم، حتا خرابشان را: لپ تاپم، یک گوشی، مقداری طلا و...

می‌گفت: از اول جنگ چند روزی را رفتیم شمال. اما بیشتر این مدت را خانه ماندیم. شیشه‌ها را چسب زده، یک اتاق امن را انتخاب کرده بودیم و شب‌ها بچه‌ها را آنجا می‌خواباندم.

آن شب ساعت حدود ۱۱ بود. بچه‌ها مشغول بازی وسط هال بودند که صدای انفجار و همزمان با آن آوار شیشه‌ها. آنقدر ناگهانی و ترسناک بود که فرصت فکر و عکس‌العمل نبود. همه شوکه شده بودیم. در آپارتمان را که باز کردیم تا به حیاط برویم، راهرو با جیغ‌های همسایه‌ای پر شده بود که دچار حمله پانیک شده بود. دیدن این صحنه و صدای آن خانم، بچه‌ها را بیشتر از خود انفجار ترساند. آن‌ها هم به شدت شروع به گریه کردند. تا ساعت ۵ صبح طول کشید تا آرام شدند آنقدر که بتوانند بخوابند. من و همسرم هم مشغول جمع کردن خرده‌شیشه‌ها و پلاستیک و چسب زدن پنجره‌های خالی از قاب و شیشه شدیم تا کمی از سرمای هوای دم صبح را کم کنیم. به تکه‌های شیشه‌های شکسته نگاه می‌کردم که مثل خنجری سینه خاک باغچه را سوراخ کرده بودند و فکر می‌کردم معجزه شده که یکی از این خنجرهای شیشه‌ای بچه‌ها را زخمی نکرده. تصورش هم دیوانه‌ام می‌کرد. دو روزی طول کشید تا شیشه‌های جدید را نصب کردیم؛ اما غروب همان روز، کنار همان ساختمانی را زدند که دو روز

پیش آوار کرده بودند و دوباره شیشه‌های خانه فرو ریخت. این بار من هم بریدم... مگر یک آدم چقدر توان دارد؟

می گفت: با صدای زنگ تلفن از خواب بیدار شدم. به زور خودم را از عمیق ترین لایه های خواب بیرون کشیدم و تلفن را جواب دادم. دوستی بود فقط گفت آسمان آسمان را ببین و قطع کرد. نگاهی به پنجره کردم. با خود گفتم هنوز شبه؟ صبح نشده چرا؟ ساعت را نگاه کردم. هفت صبح را نشان می داد. زمان را گم کرده بودم. سیاهی شب را باور کنم یا ساعت را؟! سیاهی عادی نبود. حتا نور چراغهای کوچه هم دیده نمی شد. پنجره را باز کردم. دود غلیظی وارد اتاق شد و مشامم را پر کرد. نه شب نبود. تهران در دود غلیظ و سیاه ناشی از آسیب دیدن پالایشگاه شهر ری و انبارهای نفت شهران غرق شده بود. پنجره را بستم. نمی دانستم چه کار کنم. اصلا در چنین شرایطی در یک اتاق گاز بزرگ چه می شود کرد؟ مدعیان قربانیان اتاق های گاز نازی ها، به بهانه آوردن آزادی برایمان، اتاق گازی به وسعت تهران برایمان ساخته اند؟ شاید بستن پنجره، خفگی را به تاخیر بیاندازد؟! چگونه می شود جمعیت تهران از این اتاق گاز فرار کنند؟ و بعد انتظار و انتظار و انتظار...

دو روزی طول کشید که دود کمتر و کمتر شد. باران و باد هم به کمک آمد و هوا در حدی شد که بتوان از خانه بیرون آمد.

می گفت: چند سالی بود گذرم به شهر ری نیافتاده بود. سوار تاکسی شدم. راننده از آن روزهای سیاه پس از موشک خوردن پالایشگاه و انبارهای نفت می گفت: دو هفته ای دود بود و دود. دوده همه چیز را سیاه کرده بود. دوده که نبود روغن سوخته بود انگار. مثل دانه های برنج روی ماشین می ریختند و به جدار ماشین و هر چیز دیگر می چسبیدند. سه بار ماشین را شستم. یک بار با تایید. بار دوم با گازوییل و دوباره با تایید.

برج دیدبانی ای را نشان داد که با موشک ویران شده بود و تاکسی مجاله شده ای را که از بد روزگار همان لحظه از آنجا عبور می کرده و اینکه هیچ کدام از پنج سرنشین آن زنده نمانده بودند.

از دختران چادر به سر و پرچم به دستی که جلوی مقر بسیج در اثر اصابت موشک پودر شده بودند گفت، از جنگ و پلشتی های آن گفت و گفت و گفت. از گرانی، از کشتار دی ماه و از بی پناهی ما مردم... فقط گوش کردم حرفی نداشتم بزنم. می اندیشیدم چرا اینقدر بی پناهم، ما مردم؟ اصلا پناه ما مردم چه باید باشد؟ انگار جز خودمان پناهی نیست.

...ادامه دارد

منبع: کانال کانون صنفی معلمان ایران

*تداوم بازداشت متین زمانیان

بر اساس گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، متین زمانیان، دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران مرکز، با گذشت بیش از یک ماه از بازداشت کماکان در زندان تهران بزرگ (فشافویه) نگهداری می‌شود.

این دانشجو در طول دوران بازداشت از حق دسترسی به وکیل مستقل و دادرسی عادلانه محروم مانده است.

***محکومیت بی بی زهرا موسوی ایرانی - افغانستانی و از بازداشتی های اعتراضات سراسری دی ماه 1404 به 10 سال و شش ماه حبس**

بی بی زهرا موسوی ایرانی - افغانستانی و از بازداشتی های اعتراضات سراسری دی ماه 1404، ساکن شهرستان فریمان، استان خراسان رضوی به 10 سال و شش ماه حبس (4 سال تعزیری و 6 سال ونیم تعلیقی) محکوم شد.

***تصویب قطعنامه دفاع از آزادی مطبوعات و حقوق روزنامه‌نگاران آرژانتین در کنگره فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران - پاریس**

کنگره فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران در نشست خود در پاریس، قطعنامه‌ای را در مخالفت با لغو «اساسنامه روزنامه‌نگاران حرفه‌ای» در آرژانتین تصویب کرد و نسبت به افزایش فشارها بر رسانه‌ها و خبرنگاران در این کشور هشدار داد.

این قطعنامه که به پیشنهاد فدراسیون کارگران مطبوعات آرژانتین ارائه شد، با اجماع اعضا به تصویب رسید. در این بیانیه، لغو قانون حمایت از روزنامه‌نگاران حرفه‌ای که بیش از 80 سال در آرژانتین اجرا شده، تهدیدی علیه آزادی بیان و حق دسترسی عمومی به اطلاعات توصیف شده است.

براساس قانون جدید، اساسنامه روزنامه‌نگاران حرفه‌ای از ابتدای سال 2027 لغو خواهد شد. این قانون از دهه‌ها پیش چارچوبی برای حمایت شغلی و حرفه‌ای خبرنگاران و کارکنان رسانه‌ای در آرژانتین فراهم کرده بود.

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران اعلام می‌کند که این اقدام در شرایطی صورت می‌گیرد که روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها در آرژانتین با فشارهای فزاینده سیاسی و قضایی روبه‌رو هستند.

در این بیانیه همچنین به محدودیت‌های اعمال‌شده علیه خبرنگاران، از جمله جلوگیری از ورود خبرنگاران دارای مجوز به ساختمان دولت، اشاره شده و این اقدام ناقض شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات عمومی دانسته شده است.

کنگره فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران ضمن ابراز نگرانی از فضای فزاینده فشار بر رسانه‌ها، از طرح جدید فدراسیون کارگران مطبوعات آرژانتین برای تدوین قانون جایگزین حمایت کرده است.

فدراسیون همچنین تأکید کرده است که حفاظت از حقوق حرفه‌ای خبرنگاران و تضمین آزادی رسانه‌ها، بخشی اساسی از نظام‌های دموکراتیک و حق شهروندان برای دسترسی آزاد به اطلاعات است.

akhbarkargari2468@gmail.com